

## بررسی رابطه‌ی هوش عاطفی اندازه‌گیری شده و هوش عاطفی برآورد شده توسط خود در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز

فریده یوسفی<sup>۱</sup>

### مقدمه

بررسی باورهای شخصی افراد در رابطه با هوش و یا سایر توانایی‌های خود به دلیل تأثیری که این باورها به لحاظ رفتاری و شناختی بر انگیزه و عمل کرد افراد دارند از اهمیت خاصی برخوردار است (فارنهام و چامورو - پرمیوزیک، ۲۰۰۴). به همین دلیل در چند دهه‌ی گذشته، پژوهش‌های بسیاری باورهای افراد در زمینه‌ی هوش (عمومی) آنها را مورد بررسی قرار داده و تقریباً به طور ثابت این نتیجه به دست آمده است که به اعتقاد بیشتر افراد، هوش یک ویژگی مردانه است و به همین دلیل، میزان آن را در مردان بیشتر از زنان، در پدربزرگها بیشتر از مادر بزرگها، و در فرزندان پسر بیشتر از فرزندان دختر برآورد می‌کنند. نکته جالب اینکه در این پژوهش‌ها که در فرهنگ‌های مختلف از جمله امریکا، اروپا و افریقا صورت گرفته است، زنان نیز تقریباً بطور ثابت، نمره‌ی هوش خود را کمتر از مردان ارزیابی کرده‌اند (مثلاً، فارنهام، ریوز و بودهانی، ۲۰۰۲؛ زنگ و گانگ، ۲۰۰۱).

مسأله‌ی دیگر در این پژوهش‌ها توجه به رابطه‌ی میان هوش اندازه‌گیری شده (measured IQ) و هوش برآوردشده برای خود (self-estimated IQ) است. در این زمینه نیز مطالعات متعددی صورت گرفته و بطور کلی ضرابی از ۰/۱۳ تا ۰/۳۰ به دست داده‌اند که این نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مثبت اما ضعیف بین هوش حاصل از اندازه‌گیری و هوش حاصل از برآورد افراد است (مثلاً، فارنهام و فونگ، ۲۰۰۰).

بررسی تحقیقات پیشین صورت گرفته در این دو زمینه نشان داد که در فرهنگ ایرانی تنها یک پژوهش در این رابطه صورت گرفته که در آن به مسأله‌ی اول یعنی بررسی تفاوت‌های دو جنس در برآورد هوش خود، پرداخته شده است. این پژوهش توسط یوسفی (زیر چاپ) و بر روی گروهی از دانشجویان انجام گرفته و در آن برخلاف تحقیقات پیشین این نتیجه بدست آمده است که بین دختران و پسران ایرانی، از لحاظ برآورد میزان هوش خود، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و یکی از دلایل این مسأله می‌تواند به خاطر شرایطی باشد که در چند سال اخیر در رابطه با ادامه تحصیل دختران و پذیرش بیشتر آنان در دانشگاهها بوجود آمده است.

با توجه به اینکه در مورد رابطه‌ی بین نمرات هوش عاطفی حاصل از اندازه‌گیری (واقعی) و نمرات هوش عاطفی حاصل از برآورد افراد برای خود در فرهنگ ایرانی اطلاعاتی موجود نبود، لذا هدف از مطالعه حاضر، پرداختن به این مسأله تعیین گردید. بنابراین اهداف مطالعه‌ی حاضر، بررسی رابطه‌ی بین نمرات هوش عاطفی برآورد شده و هوش عاطفی اندازه‌گیری شده و نیز بررسی امکان پیش بینی نمرات هوش عاطفی برآورد شده از طریق هوش عاطفی اندازه‌گیری شده و مؤلفه‌های آن است.

### روش

نمونه: آزمودنی‌های پژوهش حاضر، ۱۸۷ نفر (۹۹ زن و ۸۸ مرد) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و در محل کلاسهای عادی خود به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند.

ابزار: ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر، پرسش نامه ی هوش عاطفی شوته و همکاران (۱۹۹۸) بود که دارای ۳۳ عبارت و ۴ خرده مقیاس به نام های خوش بینی، ارزیابی عواطف، مهارت های اجتماعی و بکارگیری عواطف است. روایی و پایایی آن قبلاً در پژوهش های متعددی (مثلاً، یوسفی، ۱۳۸۵) مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مطلوب و رضایت بخش گزارش شده است. علاوه بر این، به منظور پی بردن به هوش عاطفی برآورد شده توسط خود آزمودنیها، با الگوگیری از پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه، از توزیع طبیعی نمرات هوش (میانگین = ۱۰۰، انحراف معیار = ۱۵) استفاده گردید و با ذکر عناوین ارائه شده برای هر نمره ی هوشی (از ۵۵ برای ناتوانی ذهنی خفیف تا ۱۴۵ برای تیزهوشی) از آزمودنی ها خواسته شد که میزان هوش عاطفی خود را با بهره گیری از توزیع طبیعی نمرات هوش، برآورد نمایند.

روش آماری: برای بررسی رابطه میان هوش عاطفی اندازه گیری شده و هوش عاطفی برآورد شده از ضریب همبستگی پیرسون، و برای پیش بینی نمرات هوش عاطفی برآورد شده از طریق نمرات هوش عاطفی واقعی یا اندازه گیری شده و ابعاد آن، از تحلیل رگرسیون استفاده گردید.

## یافته ها

برای بررسی رابطه ی بین هوش عاطفی اندازه گیری شده (واقعی) و هوش عاطفی برآورد شده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

جدول ۱: نتایج پیش بینی هوش عاطفی برآورد شده از طریق خرده مقیاسهای هوش عاطفی اندازه گیری شده به تفکیک کل نمونه، دختران و پسران.

گروه	متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	F	P	β	t	P
کل نمونه	خوش بینی	۰/۳۴	۰/۱۱	۵/۰۶۲	۰/۰۰۱	۰/۵۷	۳/۶۵۱	۰/۰۰۰۱
	ارزیابی عواطف					۰/۱۱	۰/۸۸۹	N.S.
	مهارت های اجتماعی					-۰/۱۷	۱/۱۷۷	N.S.
	بکارگیری عواطف					-۰/۳۷	۲/۸۴۰	۰/۰۰۵
گروه دختران	خوش بینی	۰/۵۰	۰/۲۵	۶/۷۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۹	۳/۱۳۲	۰/۰۰۲
	ارزیابی عواطف					۰/۰۶	۰/۵۴۸	N.S.
	مهارت های اجتماعی					۰/۲۲	۱/۷۸۶	N.S.
	بکارگیری عواطف					-۰/۲۴	۲/۱۱۴	۰/۰۴
گروه پسران	خوش بینی	۰/۴۰	۰/۱۶	۳/۵۷۳	۰/۰۱۰	۰/۶۸	۲/۴۱۳	۰/۰۱۸
	ارزیابی عواطف					۰/۳۶	۱/۷۲۰	N.S.
	مهارت های اجتماعی					-۰/۷۴	۲/۹۷۱	۰/۰۰۴
	بکارگیری عواطف					-۰/۱۸	۰/۸۳۲	N.S.

همبستگی مرتبه صفر بین این دو متغیر برابر با  $r = 0.16$  ( $P < 0.04$ ) بود اما بعد از کنترل عامل جنسیت، همبستگی برابر با  $r = 0.20$  ( $P < 0.013$ ) بدست آمد. برای پیش بینی هوش عاطفی برآورد شده از طریق خرده مقیاس های هوش عاطفی واقعی از روش تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتیجه ی آن معنی دار بود ( $F = 5.062$ ,  $P < 0.001$ ). مقدار  $R^2$  نشان داد که ۳۴ درصد از واریانس هوش عاطفی برآورد شده، توسط خرده مقیاس های هوش عاطفی واقعی تبیین می گردد. در این راستا یافته ها بیانگر آن بودند که تنها ضرایب رگرسیون خوش بینی ( $\beta = 0.57$ ,  $P < 0.0001$ ) و بکارگیری عواطف ( $\beta = -0.37$ ,  $P < 0.005$ ) با توجه به مقدار آزمون  $t$  مربوط به آنها معنی دار بود و این بیانگر آن است که خوش بینی به طور مثبت و معنی دار و بکارگیری عواطف بطور منفی و معنی دار قادر به پیش بینی هوش عاطفی برآورد شده توسط خود آزمودنی ها می باشد. همین تحلیل ها به تفکیک جنسیت نیز انجام شد.

نتایج رگرسیون در گروه دختران نیز نشان داد که همان دو خرده آزمون خوش بینی ( $\beta=0/39, P<0/002$ ) و بکارگیری عواطف ( $\beta=-0/24, P<0/04$ ) می توانند نمره ی هوش عاطفی برآورد شده را بطور معنی دار پیش بینی نمایند اما در گروه پسران خوش بینی ( $\beta=0/68, P<0/018$ ) و مهارت های اجتماعی ( $\beta=-0/74, P<0/004$ ) قادر به پیش بینی معنی دار نمره هوش عاطفی برآورد شده بودند. نتایج این تحلیل ها در جدول ۱ آورده شده است.

### بحث و تفسیر

هدف پژوهش حاضر به طور کلی بررسی رابطه بین نمرات هوش عاطفی حاصل از اندازه گیری (واقعی) با نمرات هوش عاطفی برآورده شده توسط خود آزمودنیها و نیز امکان پیش بینی متغیر اخیر از طریق نمرات هوش عاطفی واقعی بود. در این رابطه نتایج نشان دادند بین این دو متغیر همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد و می توان هوش عاطفی برآورد شده را از طریق هوش عاطفی اندازه گیری شده پیش بینی کرد. این یافته ها که حکایت از آگاهی نسبی دانشجویان از وضعیت هوش عاطفی و توانایی های خود در زمینه ی پردازش اطلاعات عیجانی و عاطفی دارد و با یافته پژوهش پترایدز و فارنهام (۲۰۰۰) همسو است، نشان می دهد که یکی از نشانه های هوش عاطفی بالا، آگاهی داشتن از توانایی ها و ویژگی های سرشتی خود است (مایر، کاروسو و سالووی، ۱۹۹۹). به همین دلیل، افراد دارای هوش عاطفی پایین درک ضعیفی از توانایی پردازش اطلاعات هیجانی و عاطفی خود دارند و همین مسأله می تواند سازگاری روانشناختی و نیز عزت نفس آنان را تحت تأثیر قرار داده و از شرکت آنان در برخی فعالیت ها و انجام تکالیفی که نیاز به خود - ادراکی مثبت و بالا دارد جلوگیری کند (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۰). پیامد این کار، ضعف مهارت در این افراد است که خود می تواند مانع از رشد احساس شایستگی شود. بنابراین، در خدمات مشاوره ای و روان درمانی و نیز در تعلیم و تربیت دانشجویان باید به این نکته توجه کرد و با افزایش مهارتهای هوش عاطفی به رشد بهداشت روانی آنها کمک کرد.

### منابع

- یوسفی، فریده (۱۳۸۵). رابطه ی هوش هیجانی و مهارتهای ارتباطی در دانشجویان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۹، صص. ۵-۱۴.
- Furnham, A., & Chamorro-Premuzic, T. (2004). Estimating one's own personality and intelligence scores. *British Journal of Psychology*, 95, 149-160.
- Furnham, A. & Fong, G. (2000). Self-estimated and psychometrically measured intelligence: A cross-cultural and sex difference study. *North America Journal of Psychology*, 2, 191-200.
- Furnham, A., Reeves, E., & Budhani, S. (2002). Parents think their sons are brighter than their daughters. *Journal of Genetic Psychology*, 163, 24-39.
- Mayer, J. D., Caruso, D. R., & Salovey, P. (1999). *Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. Intelligence*, 27, 267-298.
- Petrides, K. V., & Furnham, A. (2000). Gender differences in measured and self-estimated trait emotional intelligence. *Sex Roles*, 42, 5 & 6, 449-461.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Yousefi, F. (In print). Estimates of general and emotional intelligence for self and parents: A case study in Iran. *Psychological Reports*.
- Zhang, Y. J., & Gong, Y. X. (2001). Self-estimated intelligence and its related factors. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 9, 193-195.